

واکاوی باورهای بنیادین در روایات تفسیری سوره مؤمنون

زهرا عمرانی پور^۱
ثریا قطبی^۲

چکیده

هرچند روایات تفسیری از منظرهای گوناگون مورد توجه واقع شده اما تحلیل ابعاد و مولفه‌های آن از پژوهش‌های جدید در عرصه تحقیقات حدیثی است که با مطالعه ای روشمند در مضامین روایات تفسیری درصدد کشف عناصر محتوایی این دسته از روایات می باشد. از آنجا که تمسک به قرآن و سنت مبتنی بر فهم این دو ثقل گرانبهاست در نوشتار حاضر تلاش شده تا با روش تحلیل محتوا و به شیوه استقرائی و با واحد تحلیل مضمون روایت، مؤلفه های اعتقادی روایات تفسیری سوره مؤمنون در تفاسیر روایی شیعه را مورد مذاقه قرار داده و به این پرسش پاسخ دهد که بر اساس روایات تفسیری سوره مؤمنون کدامین عناصر بنیادین اعتقادی از سوی معصومین (ع) جهت تعالی بخشی و هدایت انسان به سوی کمال بکار رفته است؟ این پژوهش با طبقه‌بندی موضوعی مضامین اعتقادی روایات تفسیری به واکاوی باورهای بنیادین در سوره مؤمنون پرداخته تا در نهایت ساختار اساسی حاکم بر روایات تفسیری سوره مؤمنون را در بعد اعتقادی آشکار سازد.

کلیدواژه‌ها

روایات تفسیری سوره مؤمنون، تفاسیر روایی، اعتقادات شیعه، تحلیل محتوای روایات.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد. zahraomrani90@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول). sghotbi@shahed.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۱۹

۱. طرح مسأله

روایات تفسیری یکی از اساسی ترین مصادر فهم قرآن است. پیوند ریشه دار و ناگسستی، میان قرآن و سنت اهمیت این میراث عظیم را در ارائه تفسیر استوار از قرآن کریم آشکار می سازد. تعلیم معانی و بیان مقاصد آیات قرآن در کنار تلاوت و ابلاغ وحی بنیادی ترین وظیفه رسول خدا (ص) است که در سوره نحل آیه ۴۴: «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» از سوی خداوند مورد تاکید قرار گرفته است. اگر چه با مراجعه به سایر مصادر فهم قرآن می توان جنبه هایی از معانی قرآن را آشکار ساخت اما بدون شک درک عمیق آن، جز با بهره مندی از سخنان ارزشمند معصومین (ع) قابل دستیابی نخواهد بود.

یکی از روش های تحقیق علمی که با بررسی نظام مند کمی و عینی محتوای آشکار پیام و طبقه بندی آن نقش بسزایی در حوزه مطالعات تفسیر روایی دارد، تحلیل محتوا است. منظور از مطالعه نظام مند علمی معنا، توصیف پدیده ها در چارچوبی به دور از هرگونه پیش انگاری است به گونه ای که بتوان درستی و یا نادرستی آن را مورد ارزیابی قرار داد (شریفی، ۱۳۹۲، ش، ۸۳). با استفاده از تحلیل محتوا می توان مجموعه ای از اسناد یا متون را استخراج، شمارش و طبقه بندی کرد (معروفی و یوسف زاده، ۱۳۸۸، ش، ۱۵). در تحلیل محتوا واحدهایی که برای سنجش پذیرفته شده در مقوله هایی که عناصر آن دارای وجوه مشترک است، دسته بندی می شود. مقوله بندی موجب می شود که هر مفهوم و نماینده آن مشخص شود (گلابی و دیگران، ۱۳۸۹، ش، ۳۵). روش تحلیل محتوا در فضای رشته های حوزه علوم انسانی و به ویژه رشته الهیات که با بسط تفصیلی دانش مواجه است، نقش برجسته ای دارد (ستوده نیا و جانی پور، ۱۳۹۲، ش، ۶۶).

باور به یگانگی خداوند، نبوت و آخرت از بنیادی ترین محورهای اعتقادی در حوزه علوم اسلامی است که زیربنای نظام واره اندیشه انسان را تشکیل می دهد. این نوع از مفاهیم درونی شده افزون برقرار گرفتن در لایه های زیرین شناختی در بسیاری از جنبه های زندگی اعم از زندگی فردی و اجتماعی انسان اثرگذار بوده و در رفتار انسان به صورت آگاهانه و یا ناخودآگاه نقش تعیین کننده ای دارد (قطبی و دیگران، ۱۳۹۳، ش، ۴۳۶).

از آنجا که اصول اعتقادی بر آمده از روایات تفسیری هر سوره با تنیده شدن در شبکه ای از باورهای بنیادین برخاسته از روایات تفسیری سایر سوره های قرآن شکل حقیقی خود را باز می یابد، برای ارائه تصویر جامعی از منظومه باورهای بنیادین لازم است میان مولفه های اعتقادی روایات تفسیری یک سوره و مولفه های اعتقادی سایر سوره های قرآن ارتباط برقرار نمود. برقراری چنین ارتباطی مستلزم همخوانی نتایج حاصل از تحلیل محتوای روایات تفسیری سایر سوره های قرآن است. به دیگر سخن تحلیل محتوای روایات تفسیری سوره مؤمنون در واقع بخشی از یک تحقیق کلان است که گستره آن همه روایات تفسیری سوره های قرآن در تفاسیر روایی شیعه خواهد بود.

هرچند تاکنون پژوهش های پراکنده ای در روایات تفسیری سوره های قرآن انجام شده است از جمله آنکه فلاحی (۱۳۸۸ش) در «تفسیر روایی سوره لقمان»، کرمی (۱۳۸۸ش) در «تفسیر روایی سوره فرقان»، بشردوست (۱۳۸۴) در «بررسی تحلیلی روایات تفسیری امام محمد باقر (ع) از دیدگاه تفسیر المیزان و الصافی (ده جزء نخست قرآن کریم)»، رضایی (۱۳۸۳) در «بررسی و تحلیل روایات تفسیری امام رضا (ع)» به بررسی روایات تفسیری پرداخته اند اما تاکنون پژوهش مستقلی با روش تحلیل محتوا برای شناسایی مولفه های اعتقادی روایات تفسیری سوره های قرآن صورت نگرفته است. از این رو پژوهش حاضر در پی آن است که به این سؤال اصلی پاسخ دهد که مؤلفه های اعتقادی روایات تفسیری سوره مؤمنون کدام است و بر اساس آن چگونه می توان الگویی از باورهای بنیادین را جهت تعالی و هدایت بشر به سوی کمال ارائه نمود؟ علت انتخاب روایات تفسیری آگاهی از فهم اهل بیت (ع) از قرآن کریم به عنوان مفسر واقعی کلام وحی و علت انتخاب سوره مؤمنون وجود پیام های اعتقادی در حوزه باورهای بنیادین شیعی در روایات تفسیری این سوره است به طوری که از مجموع مضامین روایات تفسیری این سوره می توان راهی به سوی تحلیل مؤلفه های اعتقادی در سراسر روایات تفسیری قرآن گشود.

پژوهش حاضر بنیادی و با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. در مرحله ی آماده سازی و سازماندهی، روایات تفسیری معصومین (ع) در تفاسیر روایی

البرهان فی تفسیر القرآن، نورالثقلین، کنز الدقائق و بحر الغرائب و الصافی مورد دقت نظر قرار گرفت هرچند در تحلیل صحیح و عالمانه متن روایات تفسیری لازم است اعتبار روایات بر اساس ضوابط و معیارهای علمی مورد سنجش واقع شود اما از آنجا که بررسی سندی و تحلیل متن روایات تفسیری در حجم یک مقاله نمی گنجد و تعدادی از این روایات در منابع روایی شیعی قرن چهارم و پنجم از جمله کافی از شیخ کلینی و کتابهای توحید، خصال، عیون أخبار الرضا (ع)، معانی الأخبار، اکمال الدین، ثواب الأعمال و علل الشرائع از شیخ صدوق و غیره نقل شده و در تفسیر قرآن نیز مورد توجه مفسران قرار گرفته است با فرض پذیرش روایات، از بررسی سندی صرف نظر می شود. سوره مؤمنون مکی است و به ترتیب مصحف، بیست و سومین و به ترتیب نزول، هفتاد و چهارمین سوره از قرآن کریم است. تعداد کل آیات سوره ی مؤمنون ۱۱۸ آیه است که بر اساس کتاب مقاصد السور به ۱۱ فراز تقسیم گردید (مدرسی، ۱۳۸۶ش، ۱۱۳-۱۱۵) و در نهایت ۱۹۲ روایت در ده فراز مورد تحلیل قرار گرفت.

۲. خداشناسی

خداشناسی به معنای عام ناظر به شناخت وجود خدا، اثبات ذات مبدأ و شناخت اسماء و صفات پروردگار است. گفتنی است ذات الهی به صورت بسیط و جامع مشتمل بر صفات ثبوتیه است که با ذات پروردگار، وحدت حقیقی دارد. البته باید توجه داشت که اتصاف خداوند به صفات ثبوتیه با عین معنای این صفات در انسان متفاوت است. مقابل صفات ثبوتیه، صفاتی است که بر نقص و کمبود دلالت دارد. از آنجا که صفات سلبيه نفی کننده نقص از خداوند است، خود به نوعی اثبات کمال برای خداوند به حساب می آید. صفات الهی ممکن است علاوه بر ذات به جهت دیگری نیز وابسته باشد که از رابطه بین خدای متعال و مخلوقاتش انتزاع می شود. بررسی محتوای روایات تفسیری سوره مؤمنون نشان می دهد که مولفه های خداشناسی روایات تفسیری این سوره تنها به بیان صفات ثبوتیه خداوند خلاصه نمی شود بلکه در بعد معرفتی نیز دربردارنده صفات فعلیه و سلبيه است.

علم الهی یکی از صفات ثبوتیه خداوند است. جالب اینکه در روایات تفسیری سوره مؤمنون همانطور که از علم خداوند به معلوم سخن به میان آمده از علم خداوند به معدوم و نیز علم پروردگار به جزئیات قبل از ایجاد تفصیلی اشیاء نیز سخن رفته است. تعبیر «فقد علم الشَّيءَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ أَنْ لَوْ كَانَ كَيْفَ كَانَ يَكُونُ» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۵۳) که در لابلاي روایات تفسیری سوره مؤمنون آمده به وضوح به عدم تمیید و تحدید علم الهی به معلومات تصریح داشته و نشان می دهد که خداوند به چیزی که موجود نشده نیز علم دارد. از این رو تحقّق و عدم تحقّق معلومات نسبت به علم پروردگار مساوی است. به بیان دیگر بنا بر روایات تفسیری سوره مؤمنون لازم نیست که علم خداوند از وجود معلوم انتزاع شود. آنچه در این روایت آمده با دیدگاه کسانی که علم الهی را به «معلومات حادث» منحصر می دانند مغایرت دارد. قائلین به این دیدگاه بر این باورند که هر چند علم خداوند فراگیر، مطلق، ازلی و ابدی است اما به جهت حادث بودن معلوم نمی توان علم الهی را در ازل به معلوم پذیرفت زیرا در ازل معلوم حادثی وجود نداشته تا علم الهی به آن تعلق گیرد.

در روایات تفسیری سوره مؤمنون از میان صفات فعلیه پروردگار به خالقیت خداوند نیز توجه شده که از رابطه وجودی میان ممکن الوجود و واجب الوجود حکایت دارد. فرموده امام صادق (ع) «و ما خَلَقَهُمْ لِيَجْلِبَ مِنْهُمْ مَنَفَعَةٌ و لا لِيُدْفَعَ بِهِمْ مَضَرَّةٌ، بَلْ خَلَقَهُمْ لِيَنْفَعَهُمْ و يُوَصِّلَهُمْ إِلَى نَعِيمِ الْأَبَدِ» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ق، ۹: ۲۳۴) این حقیقت را نشان می دهد که هدف پروردگار از خلقت، همانا سود بردن و بهره مندی بشر از نعمت های جاودانه بوده است. صفت رازقیت از دیگر صفات فعلیه الهی است که در روایات تفسیری سوره مؤمنون مورد توجه قرار گرفته است. رازقیت یکی از شئون توحید در خالقیت است و نشان می دهد که خداوند از طریق آفرینش اسباب و مسببات و بدون یاری گرفتن از دیگران، جانداران را روزی داده و احدی جز پروردگار، رزق مخلوقات را بر عهده ندارد. در روایات تفسیری سوره مؤمنون روزی رسانی خداوند به طفل در رحم مادر (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۳۴)، روزی دادن او از شیر مادر در زمان طفولیت و روزی دادن او تا زمان بزرگی و خردمندی مورد توجه قرار گرفته است.

۱. «خداوند [خلق] را نیافرید تا از آنان منفعتی کسب کند و یا با آنان، ضرری را دور سازد. بلکه آنها را آفرید تا ایشان را از منفعت برخوردار ساخته و به نعمت جاودانه برساند.»

با در نظر گرفتن این نکته که حلم خداوند شامل بردباری و عدم تعجیل او در عقوبت گنهکاران از روی لطف با وجود توانایی بر کیفر ایشان است می‌توان حلم پروردگار را یکی دیگر از صفات فعلیه خداوند دانست که در روایات تفسیری سوره مومنون مورد توجه قرار گرفته است. هر چند حلم، اراده تأخیر عقوبت گنهکاران از سوی خداوند است و اراده الهی نیز در شمار صفات ذات می‌باشد اما به دلیل وجود رابطه میان خدای متعال و مخلوقاتش در به عقب انداختن عقوبت گنهکاران می‌توان صفت مذکور را در شمار صفات فعلیه الهی قرار داد. فرموده امام سجاد (ع) «سُبْحَانَكَ تُعْصِي كَأَنَّكَ لَا تَرَى وَ تَحْلُمُ كَأَنَّكَ لَمْ تُعْصِ»^۱ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۲۶) به طور صریح حلم خداوند را در ارتباط با مخلوقاتش مورد توجه قرار داده و نشان می‌دهد که حلم الهی نسبت به نافرمانان تا حدی است که گمان باطل می‌رود خداوند سرکشی عاصیان را نظاره گر نیست. تأمل در روایات تفسیری سوره مومنون نکته مهم دیگری را آشکار کرده و نشان می‌دهد که استطاعت با علم، اراده و قدرت خداوند به افعال بندگان پیوند تنگاتنگ دارد. استطاعت مصدر باب استفعال از ریشه «طوع» به معنای وجود چیزی است که انسان به وسیله آن توانایی می‌یابد تا خواسته‌هایش را به انجام برساند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۳۰).

نکته حائز اهمیت در استطاعت آن است که انسان زمانی می‌تواند کاری را انجام دهد که توانایی انجام آن کار را داشته باشد. اگر تکلیف به انجام کاری از سوی خداوند قبل از استطاعت انسان باشد مستلزم آن است که خداوند به کسی که توانایی انجام دادن کاری را نداشته، دستور داده باشد تا آن فعل را انجام دهد و چنین امری از مصادیق تکلیف بما لایطاق است. بنابر آنچه گذشت در استطاعت دو حالت متصور است یکی استطاعت همراه با انجام فعل و دیگری استطاعت قبل از انجام فعل، در استطاعت همراه با انجام فعل که به آن استطاعت «مع الفعل» نیز گفته می‌شود توانایی و قدرت بر انجام یک عمل، همزمان با انجام آن عمل در انسان ایجاد می‌شود، نه قبل از آن، به عبارت دیگر خداوند برای هر فعل در زمان انجام دادن آن فعل، قدرتی را در آدمی ایجاد می‌کند که او را بر انجام آن فعل قادر می‌سازد. در استطاعت قبل از انجام فعل که به آن استطاعت «قبل الفعل» نیز گفته می‌شود توانایی و قدرت بر انجام یک عمل از سوی انسان پیش از انجام آن فعل بوده است. به تعبیر دیگر خداوند متعال انسان را از پیش بر انجام کارها قادر ساخته و تا پایان عمر با توانایی که خداوند به او ارزانی داشته کارهای خود را به انجام

۱. «منزهی ای خدا، تو را چنان نافرمانی می‌کنند که گویا تو [اعمال آنها را] نمی‌بینی و تو چنان حلم می‌ورزی که گویا تو را معصیت نمی‌کنند.»

رساند. از میان اهل سنت، معتزله قائل به استطاعت قبل از فعل و اشاعره و به طور اعم جبریون قائل به استطاعت مع الفعل می‌باشند. در استطاعت مع الفعل انسان قدرت انجام افعال را دارد اما در انجام افعال مستقل نیست. در استطاعت قبل از فعل هر آنچه برای تحقق خارجی فعل لازم است قبل از تحقق فعل برای فاعل محقق شده است (خادمی و رحیمی، ۱۳۹۲ش، ۸۷).

هرچند امروزه استطاعت امری بدیهی به نظر می‌رسد اما در نیمه اول قرن دوم برخی دیدگاه‌ها حاکی از آن بود که خداوند همانگونه که پوست و گوشت آدمی را آفریده، ایجاد کننده افعال بشر است (همان، ۸۰). گفتنی است موضوع استطاعت بیرون از عقاید شیعه است و تبیین معصومین (ع) بویژه امام صادق (ع) را می‌توان رواج این موضوع در جامعه قلمداد نمود. دقت در روایات تفسیری سوره مؤمنون نشان می‌دهد که برای روشن نمودن موضوع هم استطاعت مع الفعل و هم استطاعت قبل الفعل هر دو مورد توجه معصومین (ع) واقع شده است اما نکته حائز اهمیت آن است که روایات استطاعت مع الفعل را کلینی و روایات استطاعت قبل الفعل را شیخ صدوق نقل کرده‌اند. گواه این ادعا سخنان امام صادق (ع) «فَهُمْ مُسْتَطِيعُونَ لِلْفِعْلِ وَقْتَ الْفِعْلِ مَعَ الْفِعْلِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ الْفِعْلَ»^۱ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۷-۲۸)، «عَلِمَ مِنْهُمْ فِعْلاً، فَجَعَلَ فِيهِمْ آلَةَ الْفِعْلِ، فَإِذَا فَعَلُوا كَانُوا مَعَ الْفِعْلِ مُسْتَطِيعِينَ»^۲ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۸) و «لَيْسَ لَهُ مِنَ الْإِسْطَاعَةِ قَبْلَ الْفِعْلِ قَلِيلٌ وَلَا كَثِيرٌ، وَلَكِنْ مَعَ الْفِعْلِ وَالتَّرْكِ كَانَ مُسْتَطِيعاً»^۳ (همان) است که ناظر به استطاعت همراه با فعل بوده و همگی از طریق شیخ کلینی نقل شده است.

از طرف دیگر سخنان امام صادق (ع) «فَلَا يَكُونُ الْعَبْدُ آخِذًا وَلَا تَارِكًا إِلَّا بِاسْطِيعَةِ مُتَقَدِّمَةِ قَبْلَ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ»^۴ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۹)، «لَا يَكُونُ مِنَ الْعَبْدِ قَبْضٌ وَلَا بَسْطٌ إِلَّا بِاسْطِيعَةِ مُتَقَدِّمَةِ لِلْقَبْضِ وَ الْبَسْطِ»^۵ (همان)، «الاسْطِيعَةُ قَبْلَ الْفِعْلِ، لَمْ يَأْمُرِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

۱. «انسانها مستطیع هستند اما وقت فعل، با فعل و هنگامی که آن فعل را انجام می‌دهند.»

۲. «خداوند می‌داند که بندگانش چه خواهند کرد لذا ابزار فعل را در اختیارشان قرار داد پس هنگامی که فعلی را انجام دادند همراه با انجام آن مستطیع خواهند بود.»

۳. «برای او نه زیاد و نه کم، پیش از فعل استطاعتی نیست لکن با انجام دادن و ترك کردن فعل مستطیع است.»

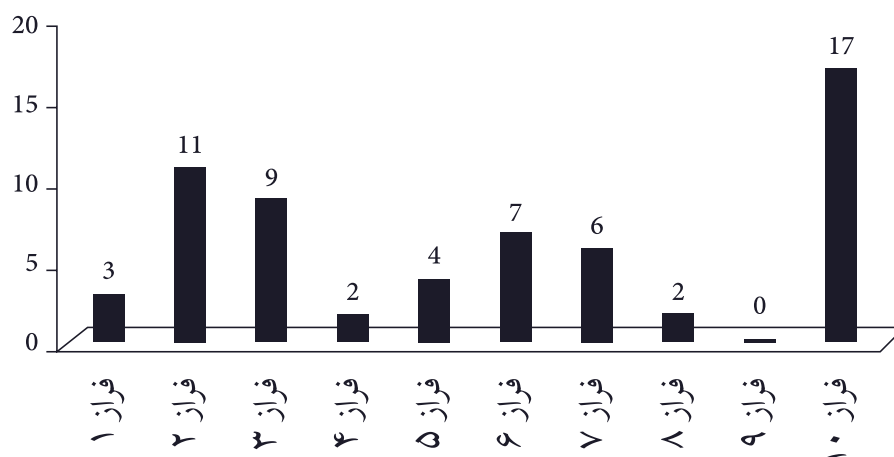
۴. «بنده کاری را انجام نمی‌دهد و یا ترك نمی‌کند مگر آنکه قبل از آن استطاعت [انجام دادن یا عدم انجام آن را] داشته باشد.»

۵. «از سوی بنده خودداری و اقدامی صورت نمی‌گیرد مگر آنکه قبل از آن توانایی خودداری و انجام آن وجود داشته باشد.»

بِقَبْضٍ وَلَا بَسِطٍ إِلَّا وَالْعَبْدُ لِدَلِكِ مُسْتَطِيعٌ»^۱ (همان) و «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ فَاعِلًا وَلَا مُتَّحَرِّكًَا إِلَّا وَالِاسْتِطَاعَةُ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ وَإِنَّمَا وَقَعَ التَّكْلِيفُ مِنَ اللَّهِ بَعْدَ الْإِسْتِطَاعَةِ، فَلَا يَكُونُ مُكَلَّفًا لِلْفِعْلِ إِلَّا مُسْتَطِيعًا»^۲ (همان) ناظر به استطاعت قبل از فعل است که همگی از طریق شیخ صدوق نقل شده است. ظاهراً سبب نقل این دسته از روایات همسو بودن هر یک از این دو دیدگاه با نظر نگارندگان این کتب بوده است. نتیجه بررسی روایات تفسیری سوره مومنون نشان داد که از مجموع ۶۱ مضمون روایت ناظر به بعد خدا شناسی بیشترین اشاره به این بعد در فراز دهم با ۱۷ مضمون روایت بوده است.

نمودار (۱) یافته‌های مربوط به توزیع ابعاد و مولفه‌های خداشناسی روایات تفسیری سوره مومنون را در فرازهای دهگانه این سوره نشان می‌دهد.

نمودار ستونی محور خداشناسی در فرازها



۳. راهنما شناسی

راهنما شناسی به معنای شناخت پیامبران (ع)، ائمه و اهل بیت (ع) است. بررسی محتوای روایات تفسیری سوره مومنون نشان می‌دهد که موضوع ولایت

۱. استطاعت قبل از فعل است خداوند عزّ و جلّ به خودداری و انجام [فعلی] امر نکرده مگر آنکه بنده در آن استطاعت داشته است.

۲. «بنده انجام دهنده افعال و حرکاتی نیست مگر آنکه همراه او استطاعت از جانب خداوند عزّ و جلّ وجود باشد و [امر به] تکلیف از سوی خداوند بعد از استطاعت است و بنده بدون استطاعت بر انجام کار، مکلف به آن نمی‌شود.»

اساسی ترین محور راهنما شناسی است که از سوی معصومین (ع) در تفسیر سوره مؤمنون مورد توجه واقع شده است. هر چند برای واژه «ولایت» معانی متعددی ذکر شده اما با توجه به ریشه «ولی»، همه معانی به یک معنای اصلی بر می گردد که همانا «قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگری است به طوری که میان آنها مانع و فاصله ای وجود نداشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۸۵). دقت در معنای اصلی این واژه نشان می دهد که نزدیکی اعم از نزدیکی زمانی و مکانی قدر مشترک معنایی این ریشه است.

از آنجا که «ولایت» از صفات و اسمای لازمه ذات الهی است و هر موجودی بر حسب وسعت و تنگنایی هویت و جود خود، می تواند مظهر اسم «ولی» شود، نزدیک ترین موجود از نظر قرب به ساحت اقدس کبریایی، انبیاء (ع) و ائمه معصومین (ع) هستند. آنها در سلسله علل غایی عالم قرار داشته و از ولایت الهی برخوردارند. این مهم نشان می دهد که ولایت در خداوند ذاتی است و در غیر او عرضی است. از همین روی در ولایت انبیاء و ائمه معصومین (ع) هیچ شائبه شرکی وجود ندارد (شمالی، ۱۳۸۸ش، ۹۷) زیرا ولایت آنها به اذن الهی و در طول ولایت خداوند قرار گرفته است. به تعبیر دقیق تر ولایت انبیاء و ائمه معصومین (ع) مظهر ولایت خداوند است بدون آنکه نقش مستقلی در تحقق آن داشته باشند.

تحلیل مقوله ولایت در تفسیر روایی سوره مؤمنون حاکی از اهمیت و خاستگاه الهی آن دارد. سخن امام صادق (ع) «از قول امام علی (ع) «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ الْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ»^۱ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۴۰۶) نشان می دهد که ائمه معصومین (ع) به اراده خداوند، راه شناخت پروردگارند و به اراده او در جهتی قرار گرفته اند که سوی روی آوردن به خداوند از همان سمت است. افزون بر آن در ادامه روایت «فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَايَتِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ»^۲ (همان) از دو تعبیر «عدول از ولایت» و «تفضیل» استفاده

۱. «خدای تبارک و تعالی اگر می خواست خود را [بی واسطه] به بندگان می شناساند ولی ما را درها، صراط و راه خود و آن سوئی قرار داد که باید از آن روی به وی داشت.»

۲. «هر که از ولایت ما رو برتابد یا دیگری را بر ما برتری دهد محققاً از صراط منحرف شده است.»

شده تا جای هیچ گونه تردیدی باقی نگذارد که افراد سرباز زده از ولایت معصومین (ع) و یا کسانی که دیگران را بر معصومین (ع) برتری داده اند، از صراط مستقیم منحرف شده‌اند.

بدیهی است اعتقاد به ولایت علی (ع) و امامان بعد از ایشان برای یاران و دوستان ایشان از چنان ارزشی برخوردار است که دشمنی با شیعیان امام علی (ع) همسان با دشمنی با پیامبر (ص) و امام علی (ع) و دوستی با شیعیان امام علی (ع) معادل با دوستی پیامبر (ص) و امام علی (ع) می باشد (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۵۷۱).

جالب آنکه در روایات تفسیری سوره مومنون میان ولایت پذیری و پذیرش توبه رابطه مستقیم وجود دارد به طوری که بر اساس سخن امام علی (ع) «لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ رَجُلٌ يَزِدُّهُ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَرَجُلٌ يَتَدَارَكُ مَنِيَّتَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ وَاللَّهِ إِنَّ سَجْدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۱ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۵) عدم ولایت پذیری مستلزم عدم پذیرش توبه از گناهان خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد ممکن است در ابتدا به نظر بیاید با پذیرش ولایت دیگر جای هیچ گونه نگرانی برای انسان ولایت پذیر وجود ندارد بالاخص وقتی بر اساس سخن امام علی (ع) «وَمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»^۲ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۶) بدانیم هرکس حق ائمه معصومین (ع) را بشناسد و آنها را دوست داشته باشد، خداوند را دوست داشته اما ادامه روایت پرده از مطلب مهمی بر می دارد و آن اینکه انسان ولایت پذیر با آنکه که حق ائمه (ع) را شناخته اما همچنان این نگرانی را دارد که شاید در محبت و اطاعت ایشان کوتاهی نموده و این قصور موجب شود که اطاعت توام با محبت و ولایت وی مورد پذیرش پروردگار واقع نگردد. تعابیر امام علی (ع) «وَلِكِنَّهُمْ خَافُوا أَنْ يَكُونُوا مُقَصِّرِينَ فِي مَحَبَّتِنَا وَ

۱. «خیری در دنیا نیست مگر برای یکی از این دو مرد، فردی که هر روز بر عمل نیکش بیفزاید و دیگری آنکه گنااهش را با توبه جبران نماید و کجا جبرانپذیر است؟ پس قسم به خدا اگر تا آنجا سجده کند که گردنش قطع شود خداوند عز و جل جز با ولایت ما اهل بیت (ع) عملی را از او نمی پذیرد.»

۲. «و هرکس حق ما را شناخت و ما را دوست داشت پس خدای تبارک و تعالی را دوست داشته است.»

طَاعَتَنَا»^۱ (مشهدی قمی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۱۹۶)، «أَتُوا وَاللَّهِ بِالطَّاعَةِ مَعَ الْمَحَبَّةِ وَالْوَلَايَةِ وَهُمْ فِي ذَلِكَ خَائِفُونَ أَنْ لَا يُقْبَلَ مِنْهُمْ»^۲ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۴۰۳) و «وَهُمْ وَاللَّهِ فِي ذَلِكَ خَائِفُونَ وَجِلُونَ»^۳ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۲۵) در تفسیر سوره مؤمنون گواهی بر این مدعا است. نکته قابل توجه دیگر آنکه در روایات تفسیری سوره مؤمنون نه تنها به تبیین جایگاه ولایت پرداخته شده بلکه شفاعت پیامبران و جانشین وی را نیز مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که خصوصیات اشیاء پس از فرسوده شدن آن مشخص می شود «امتحان» را «ابتلاء» نیز می نامند. ابتلا نوعی تربیت عام الهی و آزمودن حکیمانه بشر از سوی خداوند است که با هدف رسیدن انسان به کمال صورت می پذیرد (راد و عطایی، ۱۳۹۵ش، ۱۶۰). تعییر «قَدِ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَحْمَصَةِ، وَ ابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدَةِ، وَ امْتَحَنَهُم بِالْمَخَاوِفِ، وَ مَخَضَهُم بِالْمَكَارِهِ»^۴ (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۴۵) در لابلاي روایات تفسیری سوره مؤمنون به وضوح ابتلای پیامبران را از سوی خداوند مورد تاکید قرار داده و موارد آن از جمله «گرسنگی»، «مشقت»، «امور خوفناک» و «سختی» را مورد تصریح قرار می دهد. همچنین دقت در روایات تفسیری سوره مؤمنون نشان می دهد که واژگان «اختبار»، «امتحان» و «تمحیص» کلماتی هستند که از لحاظ معنایی و با در نظر گرفتن مفاهیم پیرامونی دارای رابطه نزدیکی با واژه ابتلاء می باشند. نتیجه بررسی روایات تفسیری سوره مؤمنون نشان داد که از مجموع ۲۲۰ مضمون روایت ناظر به بعد راهنماشناسی، بیشترین اشاره به این بعد در فراز نهم با ۴۰ مضمون روایت بوده است.

نمودار (۲) یافته های مربوط به توزیع ابعاد و مولفه های راهنماشناسی روایات تفسیری سوره مؤمنون را در فرازهای دهگانه این سوره نشان می دهد.

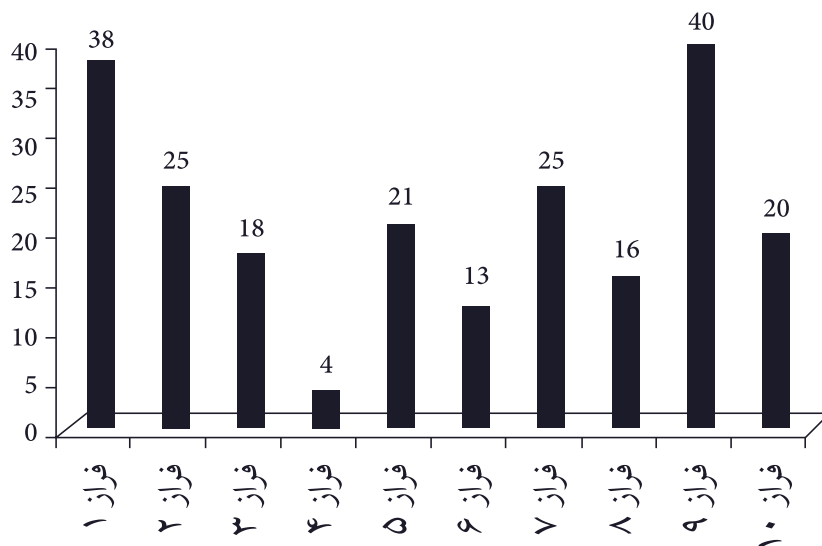
۱. «ولیکن آنها بیمناکند از اینکه در محبت و ولایت ما کوتاهی کرده باشند.»

۲. «به خدا سوگند آن چه آورده اند همراه محبت و ولایت بوده و در عین حال از این هراسانند که از آنان پذیرفته نشود.»

۳. «و آنها با این حال قسم به خدا هراسان و بیمناکند.»

۴. «خداوند آنها را با گرسنگی آزمود و به سختی و بلا گرفتارشان کرد و با ترس و بیم امتحانشان فرمود و با مشکلات فراوان خالصشان گردانید.»

نمودار ستونی محور راهنماشناسی در فرازها



۴. آخرت شناسی

بررسی محتوای روایات تفسیری سوره مومنون نشان می‌دهد که «برزخ» اساسی‌ترین محوری است که از سوی معصومین (ع) مورد توجه واقع شده است. «برزخ» در لغت حد واسط بین دو چیز است که میان آنها، مکان گسترده‌ای، فاصله انداخته باشد. از این رو به فاصله‌ی بین دو خشکی و فاصله میان دو آب و نیز فاصله میان سایه و آفتاب برزخ گفته می‌شود (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۷۱). برخی لغت‌شناسان حرف «خ» در واژه «برزخ» را زاید و برآمده از ماده «براز» به معنای زمین گسترده دانسته‌اند اما عده‌ای با غیر عربی قلمداد نمودن این واژه اصل آن را «برزه» به معنای حاجز و حایل معرفی کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۱۸). «برزخ» در کاربرد اصطلاحی به عالم پس از مرگ، و بر حد فاصل میان دنیا و آخرت اطلاق می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان دریافت که گوهر معنایی کلمه «برزخ» در سیر تکامل معنایی خود با حفظ معنای اساسی «فاصله میان دو چیز» بتدریج دچار تخصیص معنایی گشته به طوری که آنچه از معنای این واژه به ذهن متبادر می‌شود با مفهوم لغوی آن، رابطه عموم و خصوص مطلق دارد.

دقت در روایات تفسیری سوره مؤمنون نشان می‌دهد که عالم «برزخ» دارای مراحل مختلفی است. اولین مرحله از این عالم که به نوعی عالم کشف و شهود حقایق است با قبض روح آغاز می‌شود. رنگ پدیدگی، عرق کردن پیشانی، ترشحات چشمی و بسته شدن لب‌ها برخی نشانه‌های ورود به این مرحله است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۵۵). همچنین در روایات تفسیری سوره مؤمنون سخن از ملاقات‌هایی رفته که به هنگام قبض روح میان مومن محتضر، پیامبر خدا (ص) و کسی واقع می‌شود که با تعبیر «من شاء الله» از او یاد گردیده است. هر چند تعبیر «من شاء الله» در روایت تفسیری ابهام دارد و معلوم نیست که منظور از آن چه کسی است اما به قرینه سایر روایات می‌توان حدس زد که مراد از آن امیر المومنین (ع) می‌باشد.

سخن پیامبر (ص) «إِذَا حِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَلَامِ أَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ يَمِينِهِ وَالْآخَرُ عَنْ يَسَارِهِ»^۱ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۱۶) همانطور که مشاهده می‌شود علاوه بر اینکه به زمان ملاقات با مومن محتضر در هنگام قبض روح اشاره کرده و آغاز آن را وقتی می‌داند که مؤمن دیگر قادر به سخن گفتن نباشد، جایگاه ملاقات کنندگان را نیز مورد تصریح قرار داده و آن را در جانب راست و چپ محتضر ذکر می‌کند.

جالب آنکه «مَا كُنْتَ تَرْجُو، فَهُوَ ذَا أَمَامِكَ»^۲ و نیز «مَا كُنْتَ تَخَافُ مِنْهُ، فَقَدْ أَمِنْتَ مِنْهُ»^۳ (همان) در ادامه روایت چشم انداز امیدوارکننده‌ای را در مواجهه با موقعیت حساس احتضار به نمایش می‌گذارد. رسیدن به آرزوها و درمان بودن از هر نوع واهمه‌ای، دورنمای خوشایندی است که محتضر مومن را در پیمودن مسیر برزخ و مواجهه با چالش‌های قبض روح، قوت می‌بخشد. مروری گذرا بر روایات تفسیری سوره مؤمنون رخدادهای دیگری را نشان می‌دهد که در عالم برزخ و به هنگام تشییع جنازه مومن به وقوع می‌پیوندد.

۱. «هنگامی که بین مؤمن و [قدرت بر] سخن مانع بوجود آمد، پیامبر خدا (ص) و کسی که خدا بخواهد نزد او می‌آیند. رسول خدا (ص) سمت راست او و دیگری در جانب چپش می‌نشینند.»

۲. «آنچه امیدوارش بودی، پیش روی توست.»

۳. «از چیزی که می‌ترسیدی، از آن در امانی.»

سخن امام صادق (ع) «و تَلْقَاهُ أَرْوَاحُ الْمُؤْمِنِينَ يُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ وَ يُبَشِّرُونَهُ بِمَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - مِنَ النَّعِيمِ» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۵۵) مواجهه میان ارواح را در عالم برزخ به تصویر کشیده و به سلام کردن و مژده دادن به نعمت های الهی به هنگام تشییع جنازه مومن از سوی ارواح مومنان اشاره دارد. تعاملی چند وجهی بین کسانی که به تازگی قبض روح شده اند و موقعیت هایی که با آنها روبه رو می شود. پرسش و پاسخ یکی از این موقعیت هاست. پرسش هایی که موضوع آن کسانی هستند که مرده اند و یا هنوز در دنیا به سر می برند. پاسخ قبض روح شدگان به این پرسش ها در تشخیص چگونگی حال و وضعیت کسانی که از دنیا رفته اند، تاثیرگذار است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۲۰) جالب اینکه تعدادی از برزخیان خواستار آن هستند که انسان قبض روح شده به سبب پشت سر گذاشتن سكرات مرگ، تا زمان رسیدن به آرامش، از واقع شدن در معرض پرسش آسوده باشد^۲ (همان).

گفتنی است روایات تفسیری سوره مومنون نه تنها به رخدادهای قبل از تدفین می پردازد، بلکه وقایع خاکسپاری و مراحل بعد از آن را نیز مورد توجه قرار می دهد. نکته مهمی که اینجا باید اشاره شود آن است که بر پایه روایات تفسیری سوره مومنون میان «قبر» و «عالم برزخ» رابطه تنگاتنگی وجود دارد. فرموده امام صادق (ع) «الْقَبْرُ مُنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۳ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۱۵) در پاسخ به سوال «عمر بن یزید» از چیستی «برزخ» و نیز فرموده ایشان «الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ وَ هُوَ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^۴ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۱۴) گواه بر این مدعا است.

«ضغط القبر» یا «فشار قبر» یکی دیگر از رخدادهای عالم برزخ بعد از مرحله خاکسپاری است که ناظر به سختی ها و فشارهای وارده به انسان پس

۱. «إِذَا مَاتَ الْمَيِّتُ اجْتَمَعُوا عِنْدَهُ يُسْأَلُونَهُ عَمَّنْ مَضَى وَ عَمَّنْ بَقِيَ فَإِنْ كَانَ مَاتَ وَ لَمْ يَرُدْ عَلَيْهِمْ قَالُوا قَدْ هَوَى هَوَى»، «هنگامی که میت می میرد، نزد او جمع می شوند [و] از او راجع به کسانی که مرده اند و افرادی در دنیا به سر می برند پرسش می کنند. لذا اگر کسی درگذشت و نزد آنان وارد نشده بود، گویند که از بالا به زیر فرو افتاده است.»

۲. «يَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ دَعُوهُ حَتَّى يَسْكُنَ مِمَّا مَرَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ»، «به یکدیگر می گویند رهایش کنید تا از آنچه که از [سختی های] مرگ پشت سر گذاشته آسوده گردد.»

۳. «قبر از زمان مرگش تا روز قیامت است.»

۴. «برزخ قبر است و آن پاداش و جزا میان دنیا و آخرت می باشد.»

از مرگ بوده و می‌تواند فرصتی برای رهایی انسان از هلاکت به شمار آید^۱ (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۴: ۳۶). استفاده از تعبیر «ما أقل» در فرموده امام صادق (ع) «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا، مَا أَقَلَّ مَنْ يُفَلِّتُ مِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ»^۲ (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۶۱) نشان می‌دهد که تنها افراد معدودی هستند که از فشار قبر رهایی می‌یابد. هرچند ظاهر این روایت مجمل است و معلوم نیست این افراد انگشت شمار چه کسانی هستند اما به قرینه روایت تفسیری دیگری از امام صادق (ع) در پاسخ به سوال «سدیر صیرفی» در فشار قبر، روشن می‌شود که مراد از این افراد اندک، انسان‌های مومن می‌باشند^۳. ممکن است در ابتدا چنین به نظر بیاید که در عالم برزخ هیچ‌گونه ارتباطی میان قبر و میت مدفون در آن وجود ندارد در صورتی با تامل در روایت تفسیری سوره مؤمنون «وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَجْبُكَ وَ أَنْتَ تَمْشِي عَلَي ظَهْرِي»^۴ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۱۸) و «وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَبْغُضُكَ وَ أَنْتَ تَمْشِي عَلَي ظَهْرِي»^۵ (همان) می‌توان دریافت که نوعی ارتباط یک سویه میان خاک و میت مدفون وجود دارد. عجیب نیست اگر بگوییم این نوع ارتباط شامل دلستگی و بیزاری از زمانی شکل گرفته که مومن و کافر در حیات دنیوی خویش «خاک» را محل قدم خود قرار داده بودند. کنش ناشی از این ارتباط یک سویه وسعت قبر و گشوده شدن دری به سوی بهشت برای مومن و تنگی قبر و باز شدن دری به سوی دوزخ برای کافر است.

بر پایه روایات تفسیری سوره مؤمنون «سوال قبر» یکی دیگر از مراتب عالم برزخ است که بعد از تدفین به وقوع می‌پیوندد. فرموده امام صادق (ع) «لَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضاً أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضاً، وَالْآخِرُونَ يُلْهَوْنَ عَنْهُمْ»^۶ (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۶۰) آشکار می‌کند که بجز کسانی که

۱. «...إن نجوت- یا ابن آدم عند الموت فانت أنت و إلا هلكت و إن نجوت یا ابن آدم حين توضع في قبرك فانت أنت و إلا هلكت و...»، «... ای فرزند آدم اگر وقت مرگ نجات یافتی که تو تویی و گرنه به هلاکت رسیدی و ای فرزند آدم اگر وقتی که به قبر خود گذاشته می‌شوی نجات یافتی که تو تویی و گرنه به هلاکت رسیدی و...»

۲. «از آن [فشار قبر] به خداوند پناه می‌بریم چه کم هستند کسانی که از فشار قبر بازگردانده می‌شوند.»

۳. «هیئات ما علی المؤمنین منها شیء»، «دور باد، هرگز چیزی از فشار قبر بر مؤمنان وجود ندارد.»

۴. «سوگند به خدا تو را دوست می‌داشتم از زمانی که بر روی من گام مینهادی.»

۵. «سوگند به خدا از تو بیزار بودم از زمانی که بر روی من قدم می‌گذاشتی.»

۶. «در قبر سوال نمی‌شود جز از کسانی که ایمان را خالص نموده و یا کفر را با چیز دیگری درنیامیخته‌اند و بقیه به حال خود رها می‌شوند.»

ایمان را خالص نموده و یا کفر را با چیز دیگری درنیامیخته اند، بقیه افراد مورد سوال قرار نمی گیرد. البته برای فهم بهتر این روایت تفسیری لازم است آن را در کنار روایات تفسیری سایر سوره ها قرار داد. جالب اینکه اگرچه «سوال قبر» مصادیق مختلفی از پرسش ها را به ذهن متبادر می سازد اما در روایات تفسیری سوره مومنون از میان همه مصادیق، تنها پرسش از حجت قائم (ع) برجسته شده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۲۳). به نظر می رسد نقش بنیادین معرفت امام عصر (ع) در دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی بشر هدف از متمایز نمودن این مولفه اعتقادی سرآمد باشد.

نکته مهم دیگری که نباید از آن غفلت شود آن است که با وجود آنکه عذاب و نعمت برزخی دارای بعد مادی، زمان و مکان است ولی حقیقت آن با ماده، زمان و مکان دنیای خاکی متفاوت بوده و متناسب با حیات برزخی است. بر اساس آنچه گفته شد می توان فهم دقیق تری از روایاتی داشت که قبر را باغی از باغ های بهشت یا گودالی از گودال های جهنم معرفی می کند^۱ (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۵۷).

در روایات تفسیری سوره مومنون نکته حائز اهمیت دیگری وجود دارد که نشان می دهد میان عملکرد دنیوی انسان و چهره برزخی اعمال ارتباط تنگاتنگی برقرار است. توجه به این مهم باعث می شود به هنگام درنگ در سخن امام صادق (ع) که در آن سخن از زیبارویانی رفته که هیچ چشمی زیباتر از آن را ندیده^۲ (قمی مشهدی ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۱۸) و یا از زشت صورتانی سخن به میان آمده که هیچ چشمی کریه تر از آن را مشاهده نکرده^۳ (همان) مراد معصوم (ع) عمیق تر دریافت شود.

البته برای فهم بهتر روایات تفسیری مرتبط با چهره برزخی اعمال لازم است محدودیت

۱. «انا القبر، أنا روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النار»، «من قبر هستم، من باغی از باغ های بهشت یا گودالی از گودال های جهنم هستم.»

۲. «... وَ يَخْرُجُ مِنْ ذَلِكَ رَجُلٌ لَمْ تَرَ عَيْنَاهُ شَيْئاً قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهُ فَيَقُولُ يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ شَيْئاً قَطُّ أَحْسَنَ مِنْكَ فَيَقُولُ أَنَا رَأَيْتُكَ الْحَسَنَ الَّذِي كُنْتُ عَلَيْهِ، وَ عَمَلُكَ الصَّالِحَ الَّذِي كُنْتُ تَعْمَلُهُ»، «از آن [در] مردی خارج می شود که دو چشمان او [میت مومن] زیباتر از آن ندیده پس به او می گوید ای بنده خدا من هرگز چیزی از تو زیباتر ندیده ام. او می گوید من نیت پاکی هستم که داشتی و عمل نیکوی می باشم که در دنیا انجام می دادی.»

۳. «ثُمَّ إِنَّهُ يَخْرُجُ مِنْهُ رَجُلٌ أَقْبَحُ مِنْ رَأْيِ قَطُّ قَالَ فَيَقُولُ يَا عَبْدَ اللَّهِ مَنْ أَنْتَ مَا رَأَيْتُ شَيْئاً أَقْبَحَ مِنْكَ قَالَ فَيَقُولُ أَنَا عَمَلُكَ السَّيِّئِ الَّذِي كُنْتُ تَعْمَلُهُ وَ رَأْيُكَ الْخَبِيثَ»، «سپس از آن [در] مردی خارج می شود که هرگز زشت تر از او را ندیده. می فرماید که به او می گوید ای بنده خدا تو کیستی؟ من هرگز چیزی از تو کریه تر ندیده ام. می فرماید او می گوید من عمل بدی هستم که در دنیا انجام می دادی و نیت پلیدی می باشم که داشتی.»

های زبانی، ارتباط میان لفظ و معنا را نیز در نظر داشت. به تعبیر دیگر باید گفت هر چند گوهر معنایی «پاداش» و «عذاب» در تمام مفاهیم ناظر به نعمات و کیفیهای برزخی در روایات تفسیری سوره مؤمنون وجود دارد اما نمی‌توان چنین ادعا کرد که استعمال الفاظ دال بر مفاهیم «پاداش» و «عذاب» همگی در یک مرتبه قرار دارند. گواه بر این مدعا سخن امام علی (ع) «شَاهِدُوا مِنْ أخطارِ دَارِهِمْ أَفْطَحَ مِمَّا خَافُوا وَرَأَوْا مِنْ آيَاتِهَا أَعْظَمَ مِمَّا قَدَّرُوا»^۱ (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۵۴) و نیز «فَأَتَتْ مَبَالِغَ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ فَلَوْ كَانُوا يَنْطِقُونَ بِهَا لَعَيُوا بِصِفَةِ مَا شَاهَدُوا وَمَا عَانُوا»^۲ (همان) است که نشان می‌دهد مردگان مدفون در خاک خطرات آن جهان را وحشتناک‌تر از آنچه هراس داشتند و نشانه‌های آن را بزرگ‌تر از آنچه می‌پنداشته‌اند، مشاهده نمودند. از این رو در فهم عمیق‌تر مفاهیم اعتقادی، توجه به مراتب بالاتر از معنای عرفی و دقت در لایه‌های گوناگون معنایی الفاظ ناظر به پاداش و عذاب برزخی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

هر چند ارواح انسان در مرتبه بعد از مرگ تا قیامت از نوعی حیات برخوردارند اما سؤال مهم اینجاست که بر اساس روایات تفسیری سوره مؤمنون، روح در عالم برزخ در چه قالبی قرار دارد و ارتباط آنها با جهان مادی به چه صورتی است؟ برخی از روایات تفسیری این سوره، روح را پس از مرگ به بدنی غیر از بدن دنیوی اما شبیه به آن متعلق می‌داند. سخن امام صادق (ع) «فَإِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَيَّرَ تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبٍ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا»^۳ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۲۲۱) نشان می‌دهد کالبد برزخی انسان که در مرتبه ای بین عالم مادی طبیعت و عالم مجرد محض قرار گرفته، در برزخ به شکل دنیایی خود انسان نمایان شده به طوری که دیگران او را با همان صورت شناسایی می‌کنند^۴ (همان). تعبیر امام صادق (ع) «لكن في أبدان كآبدانهم»^۵ (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳:

۱. «خطرات آن جهان را وحشتناک‌تر از آنچه می‌ترسیدند یافتند، و نشانه‌های آن را بزرگتر از آنچه می‌پنداشتند، مشاهده کردند.»

۲. «انبوهی از بیم و امید برایشان فراهم آمد پس اگر می‌خواستند سخن بگویند زبانشان از وصف آنچه که مشاهده کرده و با چشم دیده‌اند عاجز می‌ماند.»

۳. «پس وقتی که خداوند عز و جل انسان را قبض روح کرد، آن روح را در قالبی مانند کالبد دنیایی او دگرگون می‌سازد.»

۴. «... فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ، عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا»، «... هنگامی که کسی بر آنها [از عالم دنیا] وارد شود او را به همان صورتی می‌شناسد که در دنیا داشت.»

۵. «... لا، الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ رُوحَهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ، وَلَكِنْ فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ»، «...»

۵۵۸) نیز به هنگام انکار ایشان از قرار گرفتن روح انسان مؤمن در چینه دان پرندگان سبز در اطراف عرش به طور واضح نشان می دهد که روح در عالم برزخ به کالبدی شبیه به بدن دنیوی انسان تعلق می یابد.

دسته دیگری از روایات تفسیری سوره مومنون ارواح را در عالم برزخ دارای صفت جسمانیت دانسته و نشان می دهد که روح انسان در عالم برزخ از ویژگی هایی همانند اجسام برخوردار می شود. سخن امام صادق (ع) «إِنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صِفَةِ الْأَجْسَادِ فِي شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ تَعَارَفُ وَتَسَاءَلُ»^۱ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ۹: ۲۲۰) و نیز فرموده ایشان «فِي رَوْضَةٍ كَهَيْئَةِ الْأَجْسَادِ فِي الْجَنَّةِ»^۲ (حویزی، ۱۴۱۵ اق، ۳: ۵۵۹) شاهدی بر این مدعا است. البته باید توجه داشت توصیفات که در روایات تفسیری سوره مومنون از مواجهه برزخیان و احوال ایشان همچون حلقه زدن دور یکدیگر، نشستن و گفتگو کردن (حویزی، ۱۴۱۵ اق، ۳: ۵۵۸)، خوردن و نوشیدن از طعام های بهشتی (همان) و درخواست از خداوند برای برپایی قیامت (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ۹: ۲۲۰) و غیره وجود دارد مبین آن است که در برزخ به عنوان عالمی از عوالم هستی جلوه هایی از زندگی متناسب با حیات برزخی قابل مشاهده است.

احادیث تفسیری سوره مومنون به مکان استقرار ارواح در عالم برزخ نیز اشاره دارد. گاه این مکان به صورت خاص مورد تصریح قرار گرفته مانند «وادی السلام» در سخن امام علی (ع) «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ: الْحَقِي بِوَادِي السَّلَامِ»^۳ (حویزی، ۱۴۱۵ اق، ۳: ۵۵۷) و در فرموده امام صادق (ع) «أَمَّا إِنَّهُ لَا يَتَقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ»^۴ (همان) و یا مانند «برهوت» در سخن امام علی (ع) «شَرُّ بُئْرِ فِي النَّارِ بَرَهُوتُ الَّذِي فِيهِ أَرْوَاحُ الْكُفَّارِ»^۵ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ۹: ۲۲۲) و گاهی نیز با

نه، مؤمن بر خدا بزرگوارتر از آنی است که روحش در چینه دان پرنده ای قرار داده شود ولیکن [روح او] در بدنهایی مانند بدنهای دنیایشان می باشد.»

۱. «محققاً ارواح در ویژگی اجساد در درختی [واقع] در بهشت هستند، یکدیگر را می شناسند و از هم پرسش می کنند.»

۲. در باغی مانند پیکر اجساد در بهشت هستند.»

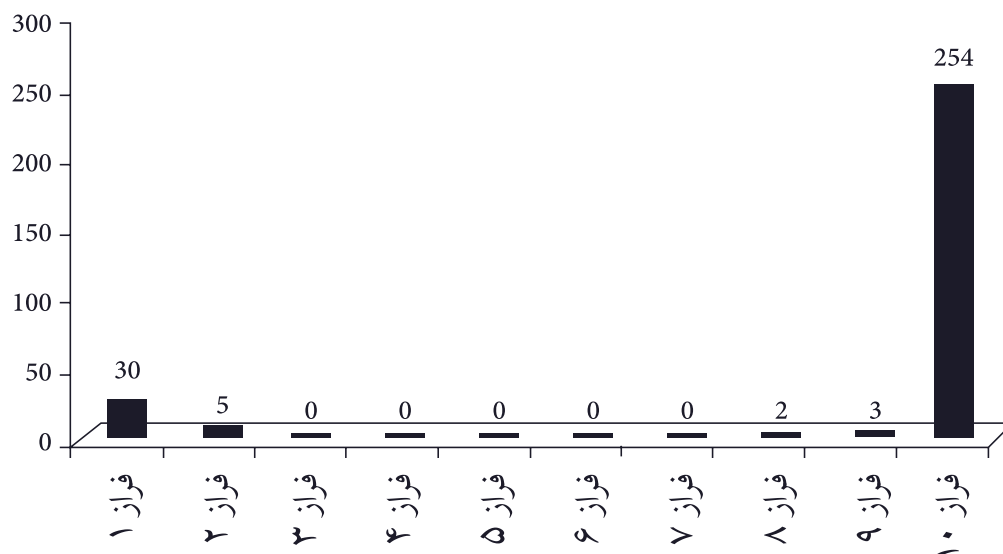
۳. «هیچ مؤمنی در ناحیه ای از نواحی زمین از دنیا نمی رود جز این که به روحش گفته می شود: به وادی السلام بپیوند...»

۴. «... اما محققاً هیچ مؤمنی در شرق زمین یا غرب آن باقی نمی ماند؛ مگر آنکه خداوند روحش را به وادی السلام منتقل می کند...»

۵. «بدترین چاهها در آتش، برهوت است که در آن ارواح کفار هستند.»

تعبیری عام همچون حجره ها در «فی حجرات فی الجنة» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۸۵۵) از آن یاد شده است. نتیجه بررسی روایات تفسیری سوره مؤمنون نشان داد که از مجموع ۲۹۴ مضمون روایت ناظر به بعد آخرت شناسی بیشترین اشاره به این بعد در فراز دهم با ۲۵۴ مضمون روایت بوده است. نمودار (۳) یافته های مربوط به توزیع ابعاد و مولفه های آخرت شناسی روایات تفسیری سوره مؤمنون را در فرازهای دهگانه این سوره نشان می دهد.

نمودار ستونی محور آخرت شناسی در فرازها



۵. نتیجه گیری

با توجه به بررسی مولفه های اعتقادی روایات تفسیری سوره مؤمنون می توان نتیجه گرفت که:

۱. علم خداوند فراگیر، مطلق، ازلی و ابدی است و برای تحقق علم لازم نیست که علم خداوند از وجود معلوم انتزاع شود.
۲. در روایات تفسیری سوره مؤمنون استطاعت «مع الفعل» و استطاعت «قبل الفعل» هر دو مورد توجه معصومین (ع) واقع شده اما روایات مربوط به

استطاعت همراه با فعل از سوی کلینی و روایات مربوط به استطاعت قبل از فعل از سوی شیخ صدوق نقل شده است. سبب نقل این دو دسته از روایات همسو بودن هر یک از این دو دیدگاه با نظر ناقلین آن بوده است.

۳. ولایت اساسی ترین محور راهنماشناسی در روایات تفسیری سوره مومنون است. از آنجا که ولایت خداوند ذاتی و در غیر او عَرَضی است و ولایت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) به اذن پروردگار و در طول ولایت او قرار گرفته است، می‌توان ولایت ائمه معصومین (ع) را جلوه ای از ولایت خداوند دانست.

۴. ائمه معصومین (ع) به اراده خداوند در جهتی قرار گرفته اند که سوی روی آوردن به خداوند از همان جهت است، از همین روی کسانی که از ولایت معصومین (ع) سرباز زده و یا دیگران را بر معصومین (ع) برتری داده اند، از صراط مستقیم منحرف شده‌اند.

۵. با آنکه گوهر معنایی «پاداش» و «عذاب» در تمام مفاهیم ناظر به نعمات و کیفی‌های برزخی در روایات تفسیری سوره مومنون وجود دارد اما مفاهیم بر آمده از آن همگی در یک مرتبه قرار ندارد. از این رو توجه به مراتب بالاتر از معنای عرفی و دقت در لایه‌های گوناگون معنایی الفاظ ناظر به پاداش و عذاب برزخی در فهم عمیق این نوع از روایات تفسیری اهمیت ویژه دارد.

۶. برای ارائه تصویر جامعی از منظومه باورهای بنیادین در مجموع روایات تفسیری سوره های قرآن لازم است میان مولفه‌های اعتقادی روایات تفسیری سوره مومنون و عناصر بنیادین اعتقادی سایر سوره های قرآن ارتباط برقرار نمود.

منابع

قرآن کریم.

- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۵ق.
- بشردوست، علی، بررسی تحلیلی روایات تفسیری امام محمد باقر (ع) از دیدگاه تفسیر المیزان و الصافی (ده جزء نخست قرآن کریم)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴ش.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، تصحیح: هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- خادمی، عین الله؛ رحیمی، جعفر، «تبیین استطاعت از منظر متکلمان امامیه تا قرن چهارم»، پژوهش های اعتقادی کلامی، سال سوم، ش ۱۱، صص ۷۷-۱۰۴، ۱۳۹۲ش.
- شریفی، علی، «نقد و بررسی آراء ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم»، حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، ش سوم، صص ۱۰۱-۸۱، ۱۳۹۲ش.

راد، علی؛ عطایی، پریسا، «ریخت شناسی الگوی قرآنی ابتلای انبیا؛ تحلیل داستان ابراهیم (ع)»، انسان پژوهی دینی، دوره ۱۳، ش ۳۶، صص ۱۷۶-۱۵۷، ۱۳۹۵ ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ش.

رضایی، سید جواد، بررسی و تحلیل روایات تفسیری امام رضا (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، قم دانشکده اصول دین، ۱۳۸۳ ش.

ستوده نیا، محمدرضا؛ جانی پور، محمد، «ساختار نظام مند مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی در سوره اسراء»، پژوهش نامه اخلاق، سال ششم- شماره ۱۹، صص ۸۲-۵۵، ۱۳۹۲ ش.

شمالی، محمدعلی، «واکاوی «ولایت» و ابعاد اجتماعی آن»، الهیات اجتماعی، شماره ۱، صص ۹۳ تا ۱۲۰، ۱۳۸۸ ش.

فلاحی، ابراهیم، تفسیر روایی سوره لقمان، پایان نامه کارشناسی ارشد شهر ری، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۸ ش.

فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.

قطبی، ثریا؛ هادوی، اصغر؛ رهنما، اکبر، باغانی، فاطمه، «تحلیل ابعاد و مؤلفه های اعتقادی سبک زندگی اسلامی در آموزه های رضوی»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره سوم، سال هجدهم، صص ۴۵۰-۴۳۵، ۱۳۹۳ ش.

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

کریمی، مریم، تفسیر روایی سوره فرقان، پایان نامه کارشناسی ارشد، شهر ری، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۸ ش.

گلابی، امیر محمد؛ خدادادحسینی، سید حمید؛ رضوانی، مهران؛ بدالهی فارسی، جهانگیر، «مفهوم پردازی آمیخته بازاریابی در بنگاه های صنایع غذایی کوچک و متوسط ایرانی»، چشم انداز مدیریت بازرگانی، ش ۳۵، صص ۴۲-۲، ۱۳۸۹ ش.

مدرسی، محمدتقی، مقاصد السور، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

معروفی، یحیی؛ یوسف زاده، محمدرضا، تحلیل محتوا در علوم انسانی، همدان، سپهر دانش، ۱۳۸۸ ش.